

بیست و شش

- لغات نادر و بعضی اصطلاحات نسخ فارسی .
دفتر هشتم (ادب ^c) :
- « جر » ،
- منقولاتی از نسخ فارسی .
دفتر نهم (ادب ^d) :
- منقولاتی از نسخ فارسی .
دفتر دهم (ادب ^e) :
- منقولاتی از نسخ فارسی و نقل لغات نادر .
دفتر یازدهم (ادب ^f) :
- دو نامهٔ امیر تیمور بشارل ششم (گویا یکی همان باشد که در مجلهٔ
کاوه شمارهٔ پنجم از سال دوم دورهٔ جدید چاپ شده است) .
دفتر دوازدهم (ادب ^g) :
- منقولاتی از نسخ عربی و فارسی .
دفتر سیزدهم (ادب ^h) :
- آنان و کلران .
دفتر چهاردهم (ادب ⁱ) :
- توصیف بعضی از نسخ مهم فارسی .
دفتر پانزدهم (ادب ^k) :
- .. عبدان ،
- منقولاتی از نسخ عربی (روی این دفتر توضیح داده شده است که
دفتر ادب ^l هنگام تجلید این هفده دفتر بدست نیامده است) .
دفتر شانزدهم (ادب ^l) :
- نظامی ،
- دیباچهٔ بازیار .
دفتر هفدهم : (تقریباً سفید است) .

بیست و هفت

جلد دوم محتوی دوازده دفتر در ۵۳۰ صفحه .
دفتر اول (ادب ^m ۱) :

– عبدالله بن میمون بن القداح .

دفتر دوم (ادب ^m bis ۲) :

– بقیة احوال عبدالله بن میمون القداح .

دفتر سوم (ادب ^m ۳) :

– بقیة احوال عبدالله بن میمون بن القداح .

دفتر چهارم (ادب ^m ۴) :

– بقیة احوال عبدالله بن میمون القداح .

دفتر پنجم (ادب ^m ۵) :

– بقیة احوال عبدالله بن میمون القداح .

دفتر ششم (ادب ^m ۶) :

– فهرست مرتب احادیث ابن القداح ،

– ملتقطات از کمال الدین و تمام النعمة .

دفتر هفتم (ادب ⁿ) :

– منقولات مختلف از کتب عربی و فارسی .

دفتر هشتم (ادب ^o) :

– منقولات مختلف از کتب عربی و فارسی .

دفتر نهم (ادب ^P) :

– قصیده نونیه ابن زیدون .

دفتر دهم (ادب ^q) :

– الف لیلة و لیلة .

دفتر یازدهم (ادب ^r) :

– مطالب متفرق که بیشتر منقولات از کتب است .

دفتر دوازدهم (ادب ^r ۲) :

بیست و هشت

- منقولات از کتب .

جلد سوم : محتوی نه دفتر ۰۰ ۴ صفحه .

دفتر اول (یادداشت ۱) :

دفتر دوم (یادداشت ۲) :

- تاریخ میرسید شریف راقم .

دفتر سوم (یادداشت ۳) :

- لغات ترکی .

دفتر چهارم (یادداشت ۴) :

دفتر پنجم (یادداشت ۵) :

- قصه سنجان .

دفتر ششم (یادداشت ۶) :

- تاریخ ابن بیبی ،

- جامع التواریخ ،

- التدوین فی تاریخ قزوین .

دفتر هفتم (یادداشت ۷) :

دفتر هشتم (یادداشت ۸) :

- آقسنقر احمدیلی و آل او .

دفتر نهم (یادداشت ۹) :

- دنباله دفتر قبل .

جلد چهارم : محتوی یازده دفتر ۴۴۹ ص

دفتر اول (ادب h bis) :

- یادداشتهای متفرق و مختلف .

دفتر دوم (ادب i bis) ،

دفتر سوم (ادب z bis) :

- منقولاتی از عمدة الطالب ،

بیست و نه

- دفتر اسباب خلفای فاطمیین منقول از دستورالمنجمین .
- دفتر چهارم (ادب^s) :
- منقولاتی از دستورالمنجمین ،
- مبدأ حقیقی تاریخ جلالی ،
- فقرات ممتعه نقل از بدایع افکار کاشی .
- دفتر پنجم (ادب^t) :
- اسامی بعضی کتب نادره ،
- وصف دستورالمنجمین ،
- النجوم الزاهره .
- دفتر ششم (ادب^u) :
- بعضی اخبار راجع بفاطمیین مصر ،
- وصف دیوان ابونواس ،
- فیروز کوه = آهنگران .
- دفتر هفتم (ادب^v) :
- حسن صباح .
- دفتر هشتم (ادب^w) ،
- حسن صباح .
- دفتر نهم (ادب^x) ،
- حسن صباح ،
- وصف تاریخ ابن عذارى مراکشی موسوم به البیان المغرب فی اخبار المغرب .
- دفتر دهم (ادب^y) :
- حسن صباح .
- دفتر یازدهم (ادب^z) ،
- طرح کتابی برای جمع اطلاعات در خصوص ملاحده بطرز درن برای
- مازندران ،

- صنعت چاپ در چین ،

- بعضی غلطهای مضحك «دوسن» در اسماء اعلام ،

- فصلی در ملاحظه که در طبقات ناصری مسطور است .

د- مسائل برلینیه: در دو جلد بقطع جیبی .

جلد اول: محتوی دوازده دفتر در ۷۰۴ صفحه . در اول این جلد نوشته شده است

که یادداشتها و تعلیقات و نوادری که در مدت اقامت در برلین از محرم ۱۳۳۴ مطابق

اکتوبر ۱۹۱۵ الی اوایل ۱۳۳۸ مطابق اوایل ژانویه ۱۹۲۰ از کتب متفرقه و از

افواه رجال جمع و التقاط شده است .

دفترهای ۱- ۴ :

- امثال و تعابیر و اصطلاحات و متلکها و لغات و افعال مر کبه عامیانه .

دفتر ۵ :

- ترکیب بند حکیم شفائی اصفهانی در هجو میرزا مؤمن وزیر شاه عباس و

تحشیه و تعلیق و تصحیح آن .

دفتر ۶ :

- تصحیف و بعضی موارد آن .

دفتر ۷ :

- المعجم فی معابیر اشعار المعجم ،

دفتر ۸ :

- بعضی قواعد دستوری .

دفتر ۹ :

- خاقانی .

دفتر ۱۰ :

- یادداشتهای متفرق .

دفتر ۱۱ :

- اطلاعاتی درباره اوستا و ترجمه مقاله‌ای از گلدنر .

سی و یک

دفتر ۱۲ :

- لغات واصطلاحات کتاب ابو منصور موفق (الابنیه عن حقائق الادویه)
جلد دوم : محتوی ده دفتر در ۶۴۳ ص . در هیچ یک از دفترهای دهگانه مجموع
درین جلد ، مطالبی مفصل و خاص بیک موضوع دیده نمیشود و غالباً یادداشتها و
نکته‌های پراکنده و مختصر است .

۵ - نوادر

نوادر نمرة ۱ : ۱۸۷ صفحه .

- منقولاتی از کتب مختلف .

نوادر نمرة ۴ : (شماره صفحه ندارد و دفتر بسیار کوچکی است) .

- لغات الفلیله و لیله عربی .

نوادر نمرة ۵ (ظ) : ۱۸۷ صفحه .

- وصیت نامه عباس افندی .

- منقولات از بعضی از کتب .

و- دفتر تاریخ نمرة یک : در ۳۰۹ صفحه .

ص ۱۴-۳۶ : فهرست کتب متملکه قزوینی در ۱۴ اکتوبر ۱۹۱۵ ،

ص ۳۷-۴۳ : سفید ،

ص ۴۴-۶۴ : منقولاتی از نسخ خطی ،

ص ۶۵-۲۷۲ : شرح وقایع مهم شخصی و دوستان و رجال و حوادث مهم

سیاسی و تاریخی از ۲۳ اکتوبر ۱۹۱۵ که بانفاق حیدرخان عمواوغلی از پاریس

خارج میشود تا ۲۸ فوریه ۱۹۲۵ . درین تاریخ نوشته است که «ازینجا بیعد

میرود به «دفتر تاریخ نمرة ۲» - ولی متأسفانه چنین دفتری در میان اوراق وی

دیده نشد .

ص ۲۸۳-۳۰۳ : سفید ،

ص ۳۰۴ : صورت قسم نامهٔ اعضاء انجمن ملیون ایرانی .

ز - نبذی از تعالیم اسماعیلیه : مأخوذ از «وجه دین» در دو دفتر کوچک
مجموعاً در ۵۳ صفحه .

ح - دفتر ژانویه ۱۹۴۰ : در دو دفتر است مجموعاً در ۱۰۰ صفحه متضمن
استخراجاتی از اسرار التوحید .

ط - اخبار جنگ بین المللی : در ۳۲ ورق رحلی متضمن خلاصهٔ اخبار
جنگ اول بترتیب وقوع حوادث .

۳- سخراشی کتب

مرحوم قزوینی را عادت بر آن بود که نظرات انتقادی یا تصحیحی و استدرکات
خود را بر کتابهایی که میخواند در حاشیهٔ همان کتابها مینوشت. غالب کتب کتابخانه
او که اکنون در کتابخانهٔ دانشکدهٔ ادبیات محفوظ است مشحون از حواشی دقیق
و مفید است و اگر روزگاری تمام آنها جمع و طبع گردد شاید بالغ بر سی چهار جلد
بشود (۱).

۴- فهرست کتابخانه

در چهار جلد که از طرف دختر آن مرحوم برای جناب آقای تقی زاده
فرستاده شده است و ایشان آنرا در اختیار این جناب گذارده اند، این فهرستها در چهار
جلد و متضمن فهرست دقیق و عالمانه از کتب ملکی آن مرحوم است . در باب بعضی
از کتابها مطالب و اطلاعات مفید درین مجلدات بدست می آید .

۱- در شمارهٔ اول نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات تبریز (سال ۱۳۳۹) ملاحظه شد که آقای دکتر

منوچهر مرتضوی تحت عنوان یادداشت‌های قزوینی با استخراج حواشی آن مرحوم بر بعضی
از کتابها همت گمارده اند و کتابهای مذکور چند کتابی است که دختر مرحوم قزوینی در
اختیار باذیل نیکی تین مستشرق مأسوف علیه گذارده بوده است .

اختصارات

ج: جلد ،

ص: صفحہ ،

صح: صحيح ،

ظ: ظاهراً ،

غ: غلط ،

ح: نسخہ بدل ،

ن: نسخہ بدل ،

م: مکرر ،

ز: زائد ،

م.ق: محمد قزوینی ،

ب.م: British Museum ،

، S.P.: Supplément Persan ،

، B.N.: Bibliothèque Nationale ،

ق: قاموس فیروز آبادی ،

ح: حوادث الجامعہ ،

ث: الكامل تألیف ابن الاثیر ،

ط: طرائق الحقایق ،

جامع: جامع التواریخ رشیدی ،

روضات: روضات الجنات ،

نقحات: نقحات الانس ،

راحة: راحة الصدور ،

سی و چهار

الادباء: معجم الادباء ،

خل: وفيات الاعيان تأليف ابن خلکان ،

طب: طبقات ناصری ،

مروج : مروج الذهب ،

تاج: تاج العروس .

< > : آنچه در میان این دو نشان آمده از طرف جمع آورنده این یادداشتها افزوده شده است .

: نشانی از کلماتی است که بمناسبتی حذف شده است.

|| : نشانی است از اینکه مطالب ذیل عنوان واحد در چند ورقه و طبیعه در سنوات مختلف تحریر شده است .

یادداشت‌های قزوینی

جلد پنجم

(ر - ظ)

حرف «ر»

رئیس الدولة:

جامع کانرمر ۱۸۴، ۲۱۰، ۲۱۶.

راحة الصدور:

شفر در ذیل سیاست نامه نظام الملک فصول بسیاری ازین کتاب نقل کرده و بطبع رسانیده است از ص ۷۰-۱۱۴ که رویهم رفته ۴۴ صفحه منقول از راحة الصدور است.

رأس البغل:

معجم الادباء ۶: ۱۱۷.

رأس الجالوت:

تفسیر بسیار خوب مفید صحیح آن (الانوار الباقیه ۱۶).

راعنا:

شرح راعنا در تفسیر طبری ۱: ۲۷۳ بعد؛ و ۵: ۷۴ که در این موضع اخیر حواله بموضع اول میدهد (و در خود قرآن ۲: ۹۸ و ۴۸: ۴۸).

راغب اصفهانی:

شرح حال او در تنمة صوان الحکمه 61^b - 63^a، ولی اصلاً وابتداً معلومانی

از احوال او بدست نمیدهد و تاریخ وفات او را نیز ذکر نمی کند.

|| باید حتماً انشاءالله بفهرست خریدة القصر عماد کاتب از دزی در کتابخانه

ملی رجوع کرد، شاید اسمش آنجا مذکور باشد. رجوع شد مخصوصاً در همین موضع

نسخه موصوفه دزی سقط دارد .

- درطبقات القراء ندارد .

- باید درمافروخی هم تبعی بشود .

|| صاحب محاضرات ومفردات القرآن وذریعة وغیرها ، هم دراسم اوهم در سنه وفات او اختلاف کرده اند . اما اسم او را اغلب ابوالقاسم الحسین بن محمد بن المفضل الاصفهانی نوشته اند .

از جمله حاجبی خلیفه درمیوآورد متعدده (طبع فلوکل ، ولی درطبع اسلامبول اغلب ینجانی المفضل الفضل - چاپ شده است) .

- روضات الجنات ۲۴۹-۲۵۶] که بعد از المفضل « بن محمد » نیز علاوه کرده است .

- معجم المطبوعات ۹۲۲] که او نیز بعینه مانند روضات سوق نسب او را معین نموده مگر آنکه « بن المفضل » را بین قوسین گذارده است .
- فهرست کتب خدیوی ج ۴ ص ۳۱۹ .

- درمقدمه مفردات الفاظ القرآن بلفظ « قال الشيخ ابوالقاسم الحسین بن محمد بن الفضل » (کذا ، ظ : المفضل) .

در فهرست نسخ فارسى بریتیش میوزیم از ریو ۱ : ۱۰۶ .

- در ابتدای محاضرات بلفظ « قال الشيخ ابوالقاسم الحسین بن محمد [بن المفضل الراغب رحمه الله تعالى » .

- در اعلام زرکلی ص ۲۵۸ .

- فلوکل در فهرست نسخ عربی و فارسی و ترکی وین ۱ : ۳۴۱ .

- فهرست مشهد در فصل « ادبیات - خطی » (ج ۳ ص مسلسل ۱۹۴)

- فهرست مودلیان از ایته نمره ۱۴۵۰ .

- بعضی مانند سیوطی در بغیة الوعاة ص ۳۹۶ و تبیع او طاهرا طاشکیری راده

در مفتاح السعادة ۱: ۱۸۳ نام او را المفضل بن محمد الاصفهانی نوشته‌اند
- بعضی دیگر مثل صاحب اکتفاء القنوع ۳۴۲ بهمان لقب معروف او «راغب»
اکتفا کرده‌اند.



حالا بیائیم بر سر تاریخ وفات او ترجمه حال او.

اولاً باید دانست که ترجمه حالی از و با فحص شدید در هیچیک از کتب رجال
و تراجم تواریخ که من بدانها دسترس دارم جز دوسه موضع آتی الذکر نیافتم؛ از
قبیل ابن خلکان و طبقات الحفاظ ذهبی و میزان الاعتدال هم و تواریخ ابن عساکر
و ابن الاثیر و ابوالفدا و طبقات الشافعیه سبکی و مزهر سیوطی و جاسوس علی-
القاموس و تاج العروس و معجم البلدان و معجم الادباء و آثار البلاد و ذیل ابن خلکان
از ابن شاکر و نجوم الزاهره و ارشاد القاصد الی اسنی المقاصد و مقدمه نهاییه ابن-
الاثیر و انساب سمانی در «راغب» و در «اصفهان» و فهرست نسخ عربی «بم» از ریو
فهرست نسخ فارسی همانجا از همو به مناسبت ترجمه الذریعه راغب بفارسی و فهرست
نسخ فارسی برلین (کذاک) و فهرست نسخ عربی پاریس از دوسلان و فهرست
ماخذ خزانه الادب از عبدالعزیز میمن موسوم به اقلید الخزانه و فهرست هفت
اقلیم (در دفاتر خطی خودم) و مرآة البلدان در «اصفهان»؛ و شاید غیر اینها از کتبی
که فعلاً بخاطر نیست - در هیچکدام از اینها اصلاً و ابداً اسمی و اثری و خبری و
ذکری از راغب نیافتم.

در کتب مذکوره آنچه از آنها مرتب بحروف تهجی است یا فهرستی مرتب
بحروف تهجی دارد مانند ابن الاثیر و غیره میتوان تقریباً بل تحقیقاً بیافتن را دلیل
بر عدم وجود ذکر او در آن کتب دانست. ولی آنچه مرتب بحروف تهجی نیست
و چنین فهرستی را ندارد مانند طبقات الحفاظ ذهبی مثلاً و ابوالفدا و غیرهما ادعای
استقصا نمیکنم بلکه فقط در مواضعی که بغلبه ظن در آنها با بستی مذکور
باشد مثلاً در طبقات الحفاظ و ابوالفدا در عناوین جمیع متوفین بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ را گشتم

ولی معذک ممکن است که در امثال این نوع کتب جائی استطراداً اسم او مذکور باشد که از نظر من فوت شده باشد.

اما کتبی که ترجمه‌های ازو منعقد ساخته‌اند یا فقط ذکر ازو نموده‌اند با اشاره‌ای بتاریخ وفات او یا بدون اشاره‌ای بآن از قرار ذیل است:

(۱) گمان میکنم اولین کسی که ترجمه‌های ازو منعقد ساخته عجماله^۱

سیوطی باشد در بقیة ص ۳۹۶ باین عبارت: «المفضل بن محمد الاصبهانی الراغب صاحب المصنفات کان فی اوائل المائة الخامسة (ظ: السادسة) له مفردات القرآن وافانین البلاغه والمحاضرات وقفت علی الثلاثة وقد کان فی ظنی ان الراغب معتزلی حتی رایت بخط الشیخ بدرالدین الزرکشی علی ظهر نسخة فی القواعد الصغری لابن عبدالسلام مانصه ذکر الامام فخرالدین الرازی فی تأسیس التقدیس فی الاصول ان ابوالقاسم الراغب من ائمة السنة وقرنه بالفزالی قال وهی فائدة حسنة فان کثیراً من الناس یظنون انه معتزلی» انتهى.

(۲) پس از او تا آنجا که من میدانم طاشکبری زاده در مفتاح السعادة ج ۱: ۱۸۳ و كذلك در ص ۴۱۵ در عنوان علم المحاضرة گوید: «ومن الكتب المصنفة فيه ... فنون المحاضرة للراغب الاصبهانی وهو المفضل بن محمد الاصبهانی ابوالقاسم الراغب صاحب المصنفات کان فی اوائل المائة الخامسة (ظ: السادسة) له مفردات القرآن وافانین البلاغه والمحاضرات وله تفسیر معناه [؟ = سمعناه] من بعض الثقات وله تفصیل النشأتین وله کتاب الذریعة فی احکام الشریعة والناس یظنون انه معتزلی لکی قال السیوطی رأیت بخط الشیخ بدرالدین الزرکشی (الی آخر مقاله السیوطی المذكور آنفاً بعینه)».

(۳) پس از او عجماله حاجی خلیفه است که در مواضع متعدده در او ذکر نموده

(۱) عجماله میگویم زیرا که در روایات بنقل از ناقلی کسه نام نمی برد گوید که در معجم الادبیاء یا قوت ترجمه‌های از او منعقدست و تمام یا بعضی از عبارات آنرا نیز نقل میکنند ولی در نسخه مطبوعه ابتدا این عبارت موجود نیست و اگر صاحب روایات اشتباهی نکرده باشد لابد در نسخه مطبوعه معجم سقطی باید باشد.

است ومجموع این مواضع علی مافی فهرست طبعة فلوکل از قرار ذیل است :
 ج ۱ ص ۱۶۴، ۲۰۳؛ ۳۷۰؛ ج ۲ ص ۱۷۱، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲-۳۶۱-۳، ۳۸۴؛ ج ۳ ص
 ۲۰۲، ۳۳۴؛ ج ۴ ص ۱۱۴؛ ج ۵ ص ۴۱۴؛ ج ۶ ص ۳۵؛ ج ۷ ص ۶۶۷، ۷۲۰، ۷۳۵.

اکنون بهمین ترتیب عین عبارات اورا در مواضع مشارالیه نقل میکنیم:
 «احتجاج القراء... وللإمام حسین بن الراغب الاصفهانی» (۱: ۱۶۴) - «اخلاق
 راغب و هو الامام ابو القاسم الحسين بن محمد الاصفهانی المتوفى سنة ثيف و
 خمسمائة» (۱: ۲۰۳ نمره ۲۷۹).

«افانین البلاغة للعلامة ابي القاسم حسين بن محمد المعروف بالراغب الاصفهانی
 (۱: ۳۷۰)؛ «وقال الراغب التفسير اعم من التأويل واكثر استعماله في الالفاظ و
 مفرداتها واكثر استعمال التأويل من (ظ: في) المعاني والجمال واكثر ما يستعمل
 في الكتب الالهيه» (۲: ۱۷۱، در عنوان علم التأويل).

«تحقيق البيان في التأويل القرآن للإمام ابي القاسم حسين بن محمد بن مفضل
 المعروف بالراغب الاصفهانی (بعد در بين دو قلاب [] يکی از قراء عین عبارت
 سابق الذکر بنية الوعاء رامختصراً نقل کرده است)، [۲: ۲۴۴-۲۴۵].

«تفسير الراغب هو الفاضل العلامة ابو القاسم الحسين بن محمد بن المفضل -
 المعروف بالراغب الاصفهانی المتوفى في رأس المائة الخامسة وهو تفسير معتبر في
 مجلد اوله الحمد لله على الائمة الخ. اورد في اوله مقدمات نافعة في التفسير وطرزه
 انه اورد جملاً من الآيات ثم فسرهما تفسيراً مشبعاً و هو احد ما أخذ انوار التنزيل
 للبيضاوي» (۲: ۳۶۱-۳۶۲).

«تفصيل النشأتين وتحصيل السفادتين للإمام ابي القاسم الحسين بن محمد بن
 المفضل الراغب الاصفهانی المتوفى في رأس المائة الخامسة مختصراً اوله الحمد لله
 الذي أرسل بالنبوة عبده الخ رتب على ثلاثة وثلاثين باباً وفصل فيها النشأة الاولى
 والنشأة الاخرى» (۲: ۳۸۳-۳۸۴).

«درة التأويل في متشابه التنزيل للإمام حسين بن محمد بن المفضل الراغب

الاصفهانى اوله اعلمووا ان جملة الكتاب الكريم النخ، ذكرانه صنفة بعد ما عمل كتاب المعانى الاكبر و املی كتاب احتجاج القراء» (۳: ۲۰۲).

«الذريعة الى مكارم الشريعة للامام ابى القاسم حسين بن محمد بن المفضل (ن: الفضل) الراغب الاصفهانى ذكره فى اوائل مفرداته اوله نسئل الله تعالى الذى هو سبب الوجود فوراً يهدينا الى الاقبال عليه النخ، وهى على سبعة فصول ... قيل ان الامام حجة الاسلام الفزالى كان يستصحب كتاب الذريعة دائماً و يستحسنه لنفاسته» (۳: ۳۳۴).

«رسالة فى فوائد القرآن للامام ابى القاسم حسين بن على (كذا ظ: محمد) المعروف بالراغب الاصفهانى المتوفى سنة ذكرها فى مفرداته» (۳: ۴۲۵).

«صیقل الفهم للراغب لعله محاضراته» (۴: ۱۱۴).

«محاضرات الادباء ومحاورات الشعراء والبلغاء لابی القاسم حسين بن محمد المعروف بالراغب الاصفهانى وهو عمدة هذا الفن بين الفضلاء اوله النخ» (۵: ۴۱۴).

«مفردات الفاظ القرآن لغة لابی القاسم حسين بن محمد بن المفضل المعروف بالراغب الاصفهانى المتوفى سنة اوله النخ» (۶: ۳۵).

۴) پس از حاجى خليفه عجاله فلوكل است كه در فهرست نسخ عربى و فارسى و تركى و بنه ج ۱ ص ۳۴۱ استناداً ببعضى نسخ خطى كشف الظنون كه كما ذكرنا در تحت عنوان «اخلاق راغب» بجای المتوفى سنة نيف و خمسمائة «المتوفى سنة اثنتين و خمسمائة» دارد اولين كسى است (ظ) كه وفات راغب را تحديد و تعيين نموده است (گمان ميكنم بدون مأخذ محكمى، چه قول حاجى خليفه اينقدر متأخر - آن هم در بعضى از نسخ آن اصلاً و ابدأ سند نميشود و اصلاً و ابدأ باعث اطمینان قلب نميشود) به سنة مذكوره يعنى سنة ۵۰۲، و جميع كسانى كه بعد از او اين تاريخ را اتخاذ نموده اند مانند ابته در فهرست بودليان نمره ۱۴۵۰ و اعلام زر كللى ص ۲۵۸ و اكتفاء القنوع ص ۳۴۲، و معجم المطبوعات العربية ۹۲۱ - ۹۲۳ (و شايد نيز تاريخ آداب عربية جزجى زبدان) و فهرست كتابخانه مشهد ج ۳

ص ۱۹۴ در عنوان « ادبیات خطی » گمان میکنم که همه بلاواسطه یا مع الواسطه بتبع او یعنی بتبع فلوکل بوده است .

اماریو در ذیل فهرست نسخ فارسی بریتیش میوزیم ص ۱۰۵-۱۰۶ بمناسبت وجود ترجمه‌ای فارسی از ذریعه الی مکارم الشریعه راغب [که بتصریح ریواستناداً بنسخه دیگری موجود در بودلیان که ایته در تحت نمره ۱۴۵ و صف آنرا نموده است در عهد شاه شجاع (۷۶۰-۷۸۶) بوده است این ترجمه] وفات او را « در حدود سنه ۵۰۰ » فرض کرده است و این قول خیلی عاقلانه و مقرون با احتیاط است، چه از طرفی از قرائن معلوم میشود که فی الحقیقه او از علمای نصف اخیر قرن پنجم بوده است، چه یکی از معاصرین او را موسوم به ابوالقاسم بن ابوالعلاء (که مؤلف در محاضرات ۱: ۵۵ تصریح بمعاصرت و معاشرت و مشاعرت خود با وی مینماید) باخرزی متوفی در سنه ۴۶۷ در دمیة القصر ص ۱۰۰ از نسخه خطی آقای اقبال و ص ۹۳ از نسخه چاپی شرح حال او را ذکر نموده است. لابد او آخر عمرش در اواخر همان مایه خامسه (و با اصطلاح مورخین عرب: رأس المایة الخامسة) بایستی بوده است یا در اوایل مایه سادسه (که سیوطی و طاشکبری زاده . کما ذکرنا ازین مقصود به « اوائل مایه خامسه » تعبیر کرده اند که مقصودشان بلاشک مایه سادسه > بوده است که به کلمه « پانصد » شروع میشده است که همان مایه سادسه با اصطلاح امروزی باشد)؛ و دیگر تصریح مکرر سیوطی و حاجی خلیفه که وی در رأس مایه خامسه یا متوفی سنه نیف و خمسمایه یا متوفی فی رأس المایة الخامسة و نحو ذلك که تصریح است که وفات او چندان مؤخر از ۵۰۰ یا مقدم بر آن نبوده است و در حدود این سنه بوده است با چند سالی احتمال پیش و پس .

دیگر آنکه غزالی [متوفی در ۵۰۵] بقول حاجی خلیفه همیشه کتاب ذریعه او را همراه خود داشته است و آن کتاب را بغایت دوست و مستحسن میداشته است
یادداشت‌های فروتنی - ج ۵ - ۲۰

و این خود دلیل است که عصر راغب یا مقدم بر عصر غزالی یا معاصر او بوده است. او موخر از غزالی بمقدار شصت سال چنانکه روایات فرض کرده است که وفات راغب را در سنه ۵۶۵ نوشته است. از طرفی تعیین و تحدید سال وفات او به ۵۰۲ چنانکه فلوگل نموده است استناداً به «بعضی از نسخ حاجی خلیفه» - حاجی خلیفه‌ای که پانصد سال بعد از راغب میزیسته و درین مابین هیچکس هیچ جا چیزی در باب سنه وفات او علی‌الیقین ندانسته و ننوشته حالاً يك مرتبه حاجی این کشف و کرامت را نموده است، این فی‌الواقع جدی نیست و عالمانه و محتاطانه نیست، یعنی ازین اساس کم استحکام استنباط سنه معین محدود وفات او را نمودن. پس نتیجه این شد که قول ریو که وفات او را در حدود سنه ۵۰۰ فرض نموده است اقرب اقوال است هم بصحت و هم باحتیاط.

اما فهرست کتب خدیوی ۴: ۳۱۹ ابدأ تعیینی از سنه وفات او نموده بلکه بعینه مثل سیوطی و طاشکبری زاده و لابد بتبع آنها نوشته: «کان فی اوایل - المائة الخامسة».

از همه غریب تر آن چیزی است که صاحب روایات الجنات ص ۲۵۶ ذکر کرده است که وفات او را تقلاً از تاریخ موسوم به اخبار البشر در سنه ۵۶۵ فرض کرده است و عین عبارت او اینست (ص ۲۵۶): «و کانت وفاته كما فی التاريخ اخبار البشر معبراً عنه بالشیخ ابی القاسم الاصفهانی احد الحقاظ سنة خمس وستین و خمسمائة و ذلك قبل وفاة جارا لله الزمخشري و الظاهر انها اتفقت ببغداد دون اصفهان» انتهى و هذا کماتری چندین جای این عبارت محل اعتراض است: اولاً آنکه مجرد تعبیر به «شیخ ابوالقاسم اصفهانی احد الحقاظ» بهیچوجه من الوجوه باعث تعیین مراد صاحب اخبار البشر که مراد وی راغب است نمیشود؛ چه صدها اشخاص بوده‌اند در هر عصری و زمانی مکنی بابوالقاسم و از اهل اصفهان، بخصوص که اصلاً و ابدأ نه نام او را می‌برد نه نام یکی از آباء او را و نه نام یکی از مصنفات او را. پس فی‌الواقع و بینکم و بین الله هویت این شخص معبر عنه باین تعبیر مبهم

از کجا معلوم شد که کیست و مخصوصاً از کجا معلوم شد که مراد راغب است . این حکم فی الواقع بسیار بسیار غریب است از صاحب روضات . دیگر آنکه عبارت بعد که میگوید « و ذلك قبل وفاة جابر الله الزمخشري » از همه غلطها غلطتر و غریب تر است . چه وفات زمخشری در سنه ۵۳۸ بود است بتصریح عموم مورخین ، پس چگونه وفات کسی که در سنه ۵۶۵ است قبل از وفات کسی است که در ۵۳۸ است ان هذا من اعجب المجایب . پس بالضرورة یا باید گفت که غلطی فاحش در تاریخ سنه راغب دست داده است و ۵۶۵ غلط ناسخ یا طابع است بجای سنه دیگری که قبل از ۵۳۸ واقع بوده یا باید گفت که صاحب روضات سهوی واضح بل فاضح نموده که وفات زمخشری را بعد از سنه ۵۶۵ فرض کرده است ، و علی ای حال کماتری این عبارت در غلطیت بقول منطقیین از جمله قضایائی است که قیاساتها معها و غلط اندر غلط اندر غلط است .

هیچ ندانستم که مرادش به اخبار البشر چه کتابی است . ابتدا خیال کردم مرادش تاریخ ابوالقدست ، چه اوست که موسوم است به المختصر فی اخبار البشر ولی در آن کتاب از ابتدای سنه ۵۰۰ الی سنه مذکوره یعنی ۵۶۵ و ما بعد را نصف کردم چنین عبارتی که در روضات نقل میکند الامازاغ عند البصر نیافتم ، پس مقصودش لابد کتابی دیگر بوده است از اخبار البشر ، ولی عجالة چنانکه گفته شد هیچ دانسته نشد مقصود چه کتابی است و در کشف الظنون نیز کتابی باین اسم مذکور نیست .

باری حاصل این شد که قول روضات الجئات بقاعده و قرائن باید سهو بسیار بسیار واضحی باشد و باید وفات راغب اقلأ پنججاه شصت سال بلکه بیشتر قبل ازین سنه یعنی ۵۶۵ باشد .

احسن اقوال واقرب آنها باحتیاط و در عین حال اقرب آنها بواقع گویا همان قول ربوست که در حقیقت همان قول سیوطی و حاجی خلیفه و غیر هماست که وفات او در حدود سنه ۵۰۰ بوده است ، والله اعلم بالصواب .

از اینکه باخرزی متوفی در سال ۴۶۷ او را ذکر
 میکند بهیچوجه معلوم نمیشود که او در این حدود در
 حیات بوده، چه باخرزی بسیاری از کسانی را که با طفولیت
 وی معاصر بوده اند نیز ذکر کرده است مثل فلان و فلان و
 خودش در دیباچه گوید: «وهم ازواج ثلاثة منهم السابقون
 الاولون ومنهم اللاحقون المنضرمون ومنهم المحدثون -
 المصريون» که از این ظاهر معلوم میشود که باخرزی حتی
 بعضی کسانی را که عصر آنها بر عصر وی مقدم بوده و شاید هیچ
 عصر آنها را و او در طفولیت خود نیز درک نکرده بوده ذکر
 کرده است و در هر صورت این ابوالقاسم بن ابی العلاء صبهانی
 که شرح حالش در تمة الیتیمه ۱: ۱۱۹ - ۱۳۰ مسطور است
 و از آنجا صریحاً و واضحاً معلوم میشود که وی از معاصرین
 صاحب بوده است و او را در حق وی مدایح و هم مراثی است
 و وفات صاحب در سنه ۳۸۵ بوده است و این ابوالقاسم بن
 ابی العلاء در حین تألیف تمة یعنی فیما بین سنه ۴۲۴-۴۲۹
 در حیات بوده است، فرض این است که وی مدّاح صاحب
 بوده چنانکه صریحاً تعالیبی است، پس اقلّاً چند سالی از
 اواخر عمر صاحب را نیز لابد درک کرده بوده. این میشود
 مثلاً حدود سال ۳۸۰ که قطعاً وی در آن حدود مردی
 بالغ و پخته یعنی لایق مصاحبت و «مسایرت» صاحب (صریح
 عبارت تمة) بوده است، یعنی اقلّاً وی در حدود ۳۸۰ مردی

۱- این قسمت بقرینه خط و وضع کتّابت سالها پس از وریقات قبل نوشته شده است

و تماماً با جوهر سرخ است. (۱.۱).

سی ساله بوده است باقل تقدیرات . پس تولد وی در حدود ۳۵۰ بوده است لابد. خوب حالا که عصر تقریبی قریب به تحقیقی ابوالقاسم بن ابی العلاء واضح شد و بطور قطع و حتم و «ریاضی» معلوم شد که وی در سنه ۳۸۹ (که سال وفات صاحب است) از يك طرف و در سال ۴۲۴ که حداقل تاریخ تألیف تتمه است نیز در حیات بوده است از طرف دیگر و بعد اکثر تا سنه ۴۲۹ که حداکثر تاریخ احتمالی تتمه است فرض کنیم که در حیات بوده. اکنون گوئیم که این ابوالقاسم بن ابی العلاء را بتصریح راغب در محاضرات ۱: ۵۶-۵۵ باراغب مکاتبه و مشاعر بوده است، در این صورت اگر سن راغب در وقت مکاتبه و مشاعر با وی فرض کنیم که بیست یا سی ساله بوده و فرض کنیم که این مشاعر در حدود ۴۲۹ یعنی در حدود ۸۰ سالگی ابوالقاسم ابن ابی العلاء بوده آنوقت تولد احتمالی راغب (اگر کما قلنا او را در آنوقت بیست یا سی ساله فرض کنیم) در حدود ۴۰۰ یا ۴۱۰ خواهد بود. در این صورت چگونه وی سنه نیف و خمسمائه در حیات بوده است؟! این از محالات است.

اکنون پس از تحقیق کامل در باب این ابوالقاسم بن ابی العلاء و تحقیق حقیقی عصر او که از شعرا معاصرین صاحب بوده است بر من تقریباً محقق و واضح شد که راغب نیز از اقران همو یعنی از اقران همان ابوالقاسم بن ابی العلاء و صاحب بوده و «رأس الخمسمائه» یا «اوائل الخمسمائه» که بعضی مؤلفین از قبیل سیوطی و غیره در خصوص وی گفته اند که «کان فی اوایل مائة خامسه» یا «توفی فی رأس الخمسمائه» درست بمعنی حقیقی معمولی این کلمه است یعنی در اوایل مائة خامسه یعنی در حدود ۴۰۰ یا اندکی بعد یا قبل از آن نه در حدود ۵۰۰

یا اندکی بعد از آن که حاجی خلیفه اینطور فهمیده و من هم در ریقات سابق (بمناسبت ذکر باخرزی متوفی در ۴۶۷ این ابوالقاسم بن ابی العلاء را در دمیة و بمناسبت اینکه بخيال [خطای] من باخرزی فقط معاصرین خود را در دمیة ذکر کرده) همینطور فهمیده بوده‌ام، معلوم شد که مراد جمیع مؤلفینی که وفات او را در رأس خمس مائه نگاشته‌اند یا عصر او را در اوایل مائه خامسه (سیوطی) مقصودشان درست همین معنی است که امروز و همیشه از مائه خامسه همه اراده میکنند، یعنی مائهای که به ۴۰۱ شروع میشود و به ۵۰۰ ختم میشود؛ مثل حاجی خلیفه نیز که در بعضی موارد گفته توفی فی رأس الخمسمائه بمینه مقصودش همین بوده، یعنی در حدود و ابتدای مائه خامسه (یا آنکه بکلی اشتباه و سهو کرده‌ام اگر مقصودش فی الواقع ۵۰۰ بوده چنانکه خود همان حاجی خلیفه در جای دیگر نیف و خمس مائه گفته که این علامت اینست که از «مائه خامسه» سیوطی و امثاله گول خورده و خمس مائه فهمیده بوده است) باری حالا تقریباً بل تحقیقاً قطع و یقین دارم که راغب در حدود سنه ۴۰۰ یا اندکی پیش یا پس در حیات بوده، چه معاصر با کسی بوده (یعنی ابوالقاسم بن العلاء) که از معاصرین صاحب و تا ۴۲۴ - ۴۲۹ نیز در حیات بوده است. حالا اینرا باید سفت و محکم در ذهن نگاه داشت یعنی اینکه راغب معاصر با کسی بوده که در سنوات ۴۸۵ - ۴۲۴ - ۴۲۹ در حیات بوده و بعد بدقت و در سرفرصت در خود محاضرات تتبع کرد اسامی معاصرین او را دانه دانه بر این و ریقات افزود تا عصر او شاید در کمال وضوح و منجزیت بعد ها معلوم شود و حرف مهمی حاجی خلیفه و سپس فلوکل که